

دکتر مهدی جهانی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد مشهد
شماره مقاله: ۳۵۱

برنامه‌ریزی روستایی در ایران (نمونه دشت گرمسار)

Dr. M. Jahani

Azad Islamic University - Mashhad unit

Rural Planning in Iran (case study: Garmsâr plain)

Since the New concept in rural geography has occurred from last two decades, so rural planning is very new knowledge. This paper has attempted by review on socio-economic changes in rural areas of Iran.

In the first, the planning and rural planning aims are debated. then theoretic principles of a planning model are studied. finally, by presenting a linear model, the geometric centrality of Garmsâr plain is determined. and by using another model, gravity center of population is calculated, Hence in the pattern of heirarchy system by presenting services and stablishing of employment chances rural population are fixed.

مقدمه

برنامه‌ریزی عبارت است از ایجاد هماهنگی در یک حرکت جهت‌دار به منظور بهره‌گیری از تمامی امکانات موجود برای دستیابی به سطوح بالاتر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با در نظر گرفتن تعادل اکولوژیکی. بنابراین، هدایت به منظور افزایش بازدهی و کاهش خسارت در فضای زیستی از اهداف اصلی برنامه‌ریزی می‌باشد.

اگرچه تاریخچه برنامه‌ریزی با وقوع انقلاب روسیه آغاز و پس از آن نظامهای اقتصادی به نظامهای با برنامه و بدون برنامه تقسیم می‌شود^۱، لکن اوج گرایش به برنامه‌ریزی، بویژه در کشورهای اروپایی در سالهای پس از جنگ جهانی دوم دیده می‌شود که نمونه بارز آن اجرای طرح «مونه» در فرانسه بود^۲، که این طرح به دلیل موفقیت‌های حاصله سرمشق بسیاری از کشورها، از جمله کشور ما، قرار گرفت. اندیشه آمایش سرزمین در این کشور با مشاهده عدم تعادل در توزیع جغرافیایی، جمعیت، فعالیت و خدمات و همزمان با پیدایش فکر برنامه‌ریزی برای بازسازی اقتصادی کشور پس از جنگ ظهور کرد^۳. در پی آن هر کشور بسته به منابع موجود و تفکر سیاستمداران و بویژه اقتصاددانان داخلی و خارجی نوعی از برنامه‌ریزی را بر اساس توانمندیهای خود تدوین و عمده بر برنامه‌ریزی ملی تکیه کردند.

با این که این روشها در کشورهای مختلف متفاوت بود، لکن می‌توان آنها را در سه گروه عمده که ناشی از ساختار اقتصادی و تفکر حاکم بر نگرش سیاستگذاران این کشورها می‌باشد قرار داد. کشورهای در حال توسعه با الگو قرار دادن سیستمهای اقتصادی حاکم بر جهان یکی از سه نوع برنامه‌های اجباری، ارشادی یا مبتنی بر بازار را پذیرفته و به کمک دستگاههای برنامه‌ریزی خود برنامه‌های چند ساله‌ای تدارک دیدند و در آنها هدفهای بالاتر و ارزشمندتر از رشد اقتصادی را که تا این زمان هدف اولیه تمام کشورها بود گنجانیدند. در حقیقت برنامه‌ریزی در تدارک رسیدن به اهدافی بود که شامل توزیع عادلانه درآمد، اشتغال کامل، ثبات اقتصادی، تثبیت قیمت‌ها، تراز پرداختهای بین‌المللی، حفظ حاکمیت اقتصادی، تقویت دفاع ملی، صنعتی شدن، و توسعه منطقه‌ای می‌شد و از همه مهمتر هدف کوششهای برنامه‌ریزی اقتصادی یعنی میل به استفاده کارآمد از منابع کمیاب در نظام اقتصادی را مورد توجه قرار می‌دهد^۴.

برنامه‌ریزی روستایی زیرمجموعه برنامه‌ریزی ملی است و به لحاظ زمانی در مقایسه با

۱- سازمان ملل متحد، نظامهای سازمانی برای برنامه‌ریزی ملی، ترجمه قهرمان قدرت نما، سازمان برنامه و بودجه،

۱۳۶۶، ص ۱۳.

۲- کلاف شپرد و دیگران، تاریخ اقتصادی اروپا در قرن بیستم، ترجمه محمدحسین وفار، نشر گستره، ۱۳۶۸، ص ۴۱۱.

۳- فیروز توفیق، طرح‌ریزی کابردی در ایران (مجموعه مقالات طرح‌ریزی کابردی)، مرکز مطالعات و تحقیقات

شهرسازی، ۱۳۷۱، ص ۴.

۴- محمود تقی‌زاده، برنامه‌ریزی اقتصادی اجتماعی (ویژه جهان سوم)، نشر گستره، ۱۳۶۹، ص ۳۴.

برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای و شهری با تأخیر زمانی بیشتری مورد توجه واقع شده است.^۵ به عبارت دیگر عدم دستیابی به اهداف برنامه‌ریزی شهری به دلیل ارتباط تنگاتنگ با نواحی روستایی ضرورت برنامه‌ریزی روستایی در قالب برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای را مطرح ساخت. از جمله اهداف مهم برنامه‌ریزی روستایی می‌بایست تثبیت جمعیت روستایی به لحاظ بهره‌گیری از تمامی منابع سرمایه‌ای (آب و خاک) و توزیع متناسب جمعیت به منظور جلوگیری از گسترش بی‌رویه شهرهای بزرگ که هزینه‌های خدماتی تصاعدی را ایجاد می‌کند باشد که این امر از طریق ایجاد اشتغال و ارائه خدمات مناسب در جهت کاهش تفاوت‌های بین جوامع شهری و روستایی امکان‌پذیر است.

جایگاه روستا در برنامه‌ریزی

در کشور ما اگرچه سابقه برنامه‌ریزی به حدود نیم قرن پیش، یعنی زمان تأسیس سازمان برنامه و بودجه برای تدوین اولین برنامه عمرانی کشور، برمی‌گردد اما روستا در قالب برنامه‌های عمرانی جایگاهی نداشته و تنها در چهارچوب بخش کشاورزی به آن نگریسته شده است. به عبارت دیگر، اکثریت عظیمی از جمعیت کشور به علت فضای زیستی از دید سیاست‌گذاران، دست‌اندرکاران دولتی و برنامه‌ریزان، دور مانده است؛ زیرا اساساً استراتژی دولت وقت کاهش سریع جمعیت روستایی به حداقل ممکن و ظاهراً به منظور افزایش بهره‌وری سرانه برای شاغلین بخش کشاورزی بوده است. گزارش مقدماتی برنامه سوم ضمن اشاره به زیادی جمعیت روستائین و فقیر متذکر می‌شود؛ لازمه پیشرفت کشور این است که گروه‌های بزرگی از این جمعیت بتدریج از مشاغل روستایی دست کشیده و به سوی سایر مشاغل روی آورند.^۶ شاه در یک اظهارنظر صریح حتی قبل از افزایش سریع درآمدهای نفتی اظهار امیدواری کرده بود که در سال ۱۳۵۹ بیش از ۲ میلیون نفر جمعیت کشور بر روی زمین کار نخواهند کرد.^۷ این دیدگاه مسلط جامعه، اساساً برنامه‌ریزی به منظور تثبیت جمعیت روستایی را منتفی دانسته و تشکیل واحدها و نظام‌های بهره‌برداری بزرگ نظیر کشت و صنعت و شرکت سهامی زراعی و ...

۵- مسعود مهدوی، مفهوم برنامه‌ریزی روستایی و اهداف آن، پژوهش‌های جغرافیایی، مؤسسه جغرافیایی دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، ص ۴۸.

۶- سازمان برنامه و بودجه، گزارش مقدماتی برنامه سوم، نقل از مومنی، سألله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، بیوند، ۱۳۵۹، ص ۲۱۶.

۷- محمدعلی کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، جلد ۲، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، پایروس، ۱۳۶۸، ص ۲۲۶.

را به منظور تولیدات بخش کشاورزی قابل وصول و جایگزین نظام ده می دیده است. بنابراین نظام سیاسی گذشته به سکونتگاههای روستایی به عنوان ابزار تولید - و نه فضای زیستی اکثریت جمعیت کشور که تثبیت و یا حداقل کاهش سرعت روند شهرنشینی آنها فرصت تحقق برنامه‌ریزیهای شهری را میسر می‌سازد - نگرسته و این شیوه نگرش موجب شده است که روستا حداقل در ۳ برنامه عمرانی اولیه جایگاهی نداشته و تنها در برنامه چهارم بطور جداگانه فصلی تحت عنوان عمران دهات واقعیت یافته و مبلغ ۹ میلیارد ریال که کمتر از ۲٪ بودجه کشور می‌باشد به آن تخصیص یافته است.^۸ این مقطع، زمانی است که بخشی از اصلاحات ارضی فرمایشی به مرحله اجرا درآمده و مشکلاتی را همچون مهاجرت روستاییان و افزایش سریع شهرنشینی و گسترش بیکاری به وجود آورده است؛ لذا سیاستگذارهای کاهش نرخ سریع جمعیت و نیز کنترل شهرگرایی در دستور کار برنامه‌های آتی قرار می‌گیرد. در برنامه عمرانی پنجم هدفهای اساسی عمران روستایی شامل توزیع متعادل سرمایه‌گذارهای زیربنایی، خدمات و تسهیلات رفاهی، تعدیل و محور اختلاف سطح زندگی میان شهر و ده و پی‌ریزی شهرهای آینده کشور، تقلیل تعداد بسیار و پراکنده دهات و ... مدنظر قرار می‌گیرد.^۹ در حقیقت این اولین بار است که ساماندهی فضایی جمعیت روستایی و بهبود شرایط زیستی آنها بطور جدی حداقل در اهداف برنامه‌ریزی طرح شده است. در بخش کشاورزی نیز مشکلاتی از جمله پراکندگی روستاها، تفاوت چشمگیر وسایل رفاه و خدمات بین شهر و روستا و کمبود تحقیقات اساسی و مؤثر در کلیه زمینه‌های فنی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه روستایی از موانع توسعه کشاورزی کشور قلمداد شده و راه‌حلهایی از جمله گسترش صنایع تبدیلی در روستاها، تلفیق زراعت با دامداری، توسعه و ترویج صنایع دستی و فعالیتهای غیرکشاورزی، نوسازی روستاها و بالاخره کاهش میزان کم‌کاری در مناطق روستایی و ... ارائه شده است.^{۱۰} این اهداف و سیاستگذارها در برنامه عمرانی پنجم به منظور ارتقای سطح توسعه مناطق روستایی کشور می‌بایست به عنوان مبنای برنامه‌ریزی روستایی در ایران تلقی شده و اقدامی در جهت تثبیت جمعیت روستایی و جلوگیری از رشد قارچ گونه آلونک نشینی در حاشیه شهرهای بزرگ و نیز گامی به سوی جلوگیری از تشنه‌های سیاسی بالقوه‌ای به حساب آید که به علت دگرگونی ساختاری در اقتصاد سیاسی ایران در حال تکوین بود. اگرچه این تصمیمات زمانی اتخاذ شد که جمعیت روستایی بنه کن شده و از روستا بریده بود و جلوگیری از این موج مهاجرت در کوتاه‌مدت به

۸- منوچهر فرهنگ، زندگی اقتصادی ایران، دانشکده علوم ارتباطات، ۱۳۵۵، ص ۳۲۵.

۹- همان، ص ۳۴۹.

۱۰- همان، ص ۳۶۸.

دلیل عدم امکان ایجاد ساختار اقتصادی مناسب امکان‌پذیر نبود؛ زیرا اگر قرار است که مهاجرت روستاییان به شهرها متوقف شود باید ساختارهای اقتصادی و اجتماعی موجود کشاورزی تغییر یابد و شرایط نسبی زندگی شهرنشینان و روستاییان تعدیل شود^{۱۱}. اما سرعت تحولات اجتماعی ایران به مراتب فراتر از ایجاد فرصت به منظور به بار نشستن اهداف کنترلی اتخاذ شده در برنامه عمرانی پنجم بود و توده عظیم مهاجرین جوان روستایی که از اقتصاد روستا بریده و در روند رو به گسترش بورژوازی شهری اشتغال و ممر درآمدی نیافته بودند به سیل خروشان پیوستند که قبل از آن که اهداف برنامه پنجم محقق شود بساط نظام را واژگون ساختند^{۱۲} و بقول اریک هوگلند نظریه غیرانفعالی بودن دهقان ایرانی را مورد تردید قرار دادند^{۱۳}.

در اولین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی نظام جمهوری اسلامی روستا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. عمران و نوسازی روستاها در کنار شهرها اهمیتی قابل ملاحظه می‌یابد بطوری که علی‌رغم سرمایه‌گذاریهای قابل توجه در دهساله اول انقلاب و تلاشهای چشمگیر ارگانهای انقلابی، بودجه تخصیص یافته به روستا در مقابل شهر از حدود ۲۰٪ در سال اول برنامه به حدود ۸۲٪ در سال پایان برنامه می‌رسد^{۱۴} و ظاهراً بودجه عمرانی بین شهر و روستا متناسب با جمعیت آنها تخصیص می‌یابد. اگرچه بسیاری از بودجه‌های تخصیص یافته به دیگر بخشها، عملاً و عمده توسط مناطق شهری جذب می‌شود اما نکته قابل توجه در برنامه اول این است که جمعیت و سکونتگاههای روستایی کشور در کنار جمعیت و مناطق شهری به عنوان یک واقعیت موجود دیده شده است و در بخش مربوط به ساماندهی فضایی و توزیع جغرافیایی جمعیت و فعالیتها در رابطه با مناطق روستایی آمده است: تجهیز و تقویت مراکز دهستان و روستاهای مرکزی و ایجاد روستا شهرها به منظور تسهیل خدمات‌رسانی به مناطق روستایی و ایجاد زمینه‌های مناسب استقرار فعالیتها غیرکشاورزی در محیط روستایی منوط به

۱۱- لوئیس مالاسیس، جهان روستا (آموزش و توسعه). ترجمه اسدالله زمانی‌پور، مجتمع آموزش عالی بیرجند،

۱۳۶۷، ص ۱۲۴.

۱۲- فرد، هالیدی، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، امیرکبیر، ۱۳۵۸، ص ۳۰۶.

۱۳- اریک، هوگلند، مشارکت روستاییان در انقلاب، ترجمه هرمز همایون پور، مسائل ارضی و دهقانی، آگاه، ۱۳۶۱، ص ۳۸۲.

۱۴- اداره کل قوانین و مقررات کشور، مجموعه قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی

ایران، ۱۳۶۹، ص ۷۸.

بازنگری در ضوابط انتخاب مراکز دهستان و استقرار نظام سلسله مراتبی خدمات‌رسانی به روستاها و برنامه‌ریزی روستاها در قالب مجموعه‌های روستایی است.^{۱۵}

در حقیقت دیدگاه برنامه‌اول طرح‌ریزی یک نظام سلسله مراتبی خدمات‌رسانی به منظور تثبیت جمعیت روستایی و جلوگیری از تمرکزگرایی جمعیت می‌باشد زیرا از یک طرف تنگناهای موجود در اقتصاد کلان کشور در شرایط کنونی ایجاد اشتغال برای جمعیت بیکار حدود ۱/۶ میلیون نفری^{۱۶} را به سهولت امکان‌پذیر نمی‌سازد و از طرف دیگر در مناطق روستایی دو عامل پایین بودن سطح اشتغال و نابرابری درآمد در مقابل مناطق شهری عوامل اساسی گسترش روند شهرنشینی می‌باشند. البته به غیر از دو عامل فوق، عوامل دیگری از جمله چگونگی دسترسی به امکانات و خدمات رفاهی از مسائل مهمی است که باید در برنامه‌ریزی روستایی مدنظر قرار گیرد. همچنین با توجه به کمبود امکانات سرمایه‌ای، چگونگی استقرار و نظم فضایی مراکز خدماتی از مهمترین مسائلی است که در برنامه‌ریزی روستایی باید در نظر گرفته شود.

در چارچوب برنامه‌اول، فعالیتها و تمایلات ارگانها، سازمانها و مراکز تصمیم‌گیری در سطح استانها برای ساماندهی فضایی مناطق روستایی کشور می‌بایست در جهت اهداف اساسی نظام و به منظور تحقق عدالت اجتماعی و رفع محرومیت از مناطق روستایی تلقی شده و برنامه‌ریزی روستایی به منظور بهره‌گیری بهینه از سرمایه‌ها و امکانات محدود به نحوی صورت گیرد که حداکثر بهره‌برداری از سرمایه‌گذارهای انجام شده به عمل آید و از اتلاف سرمایه به دلیل اعمال سلیقه‌های شخصی و عدم نگرش همه‌جانبه جلوگیری شود تا سرمایه‌های ملی، مکان‌گزینی واقعی یافته و نتایج حاصل از آن اکثریت بیشتری از جمعیت محروم جامعه در مناطق روستایی کشور را در برگیرد.

جدول شماره ۱: مقایسه کل درآمد خالص خانوارهای شهری و روستایی

سال	خانوار شهری	خانوار روستایی	نسبت روستایی به شهری
۱۳۶۵	۱۱۲۶۶۳۹	۵۶۸۵۵۸	۵۰٪
۱۳۷۰	۲۸۴۰۸۲۶	۱۵۶۳۱۲۵	۵۵٪

مأخذ: مرکز آمار، سالنامه آماری ۱۳۷۱.

۱۵- همان، ص ۳۸.

۱۶- مرکز آمار ایران، ایران در آینه آمار، شماره ۱۲، مردادماه، ۱۳۷۳، ص ۲۴.

اهداف برنامه‌ریزی روستایی

به نظر می‌رسد هدف محوری برنامه‌ریزی روستایی کاهش نابرابریهای موجود بین جوامع روستایی از یک طرف و تعدیل نابرابریهای موجود بین جوامع شهری و روستایی از طرف دیگر می‌باشد تا انگیزه مهاجرتها کاهش یابد. اما موفقیت هر برنامه روستایی در گرو دیدگاه برنامه کلان کشور است. به عبارت دیگر به برنامه‌ریزی روستایی باید به عنوان یک هدف و به صورت زیرمجموعه‌ای از یک نظام در برنامه‌ریزی کلان کشور نگریسته شود تا مجموعاً به صورت یک سیستم، متشکل از عناصر مرتبط که بر روی هم اثرات متقابل دارند^{۱۷} به صورت فرایندی انسجام یافته به اهداف مورد نظر نائل آید. کلیف هاگ (Cliff Hage) در تجزیه و تحلیل برنامه‌ریزی و تحولات شهری می‌نویسد: بحرانهای دوره‌ای نظام سرمایه‌داری عامل عمده‌ای در تحوّل ساختار محیط و سکونتگاههای انسانی بوده‌اند. این نظر سیاسی اقتصادی بطور قابل ملاحظه‌ای در تجزیه و تحلیل پیشرفت اقتصاد، چگونگی رفاه اجتماعی، قوانین حکومتی و هماهنگی بین دولت، جامعه و اقتصاد مفید واقع شده، تحولات روستایی در نتیجه سیاستهای اقتصادی قابل فهم می‌شود.^{۱۸} در حقیقت «هاگ» افق بازتری را می‌نمایاند و تحولات روستایی بویژه در جوامع در حال توسعه را نه تنها در چارچوب اقتصاد کلان که در رابطه با تقسیم بین‌المللی کار و رابطه کانون - پیرامون و دیدگاه ساخت «سمیرامین» تحلیل می‌کند^{۱۹} و تأثیر نظام سرمایه‌داری را بر کشورهای پیرامون تا دورترین حلقه‌های زنجیره وابستگی یعنی روستاها مورد توجه قرار می‌دهد. این که سابقه نیم قرن برنامه‌ریزی در کشور و تزریق حدود ۲۵۰ میلیارد دلار ارز حاصل از نفت نتوانسته است تحوّل نه در حد انتظار در اقتصاد کشور به وجود آورد و حداقل تا سال ۱۳۶۷ معیارهای ۲۰ سال قبل، به علت تولید ناخالص ملی سرانه بر اقتصاد کشور حاکم بوده است^{۲۰} و یا در سال ۱۳۷۰ حدود ۳۰٪ غذای اصلی مردم از خارج از مرزها وارد می‌شده است^{۲۱} در چارچوب نظریه

۱۷- مهدی فرشاد، نگارش سیستمی، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۲، ص ۴۳.

18- Cloke, Paul, *Rural planning policy in Action*, London, 1987, p. 4.

۱۹- عبدالعلی لهسانی‌زاده، تحولات اجتماعی در روستاهای ایران، نوید شیراز، ۱۳۶۹، ص ۱۵.

۲۰- حسین عظیمی، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، نشر نی، ۱۳۷۱، ص ۸۹.

۲۱- محمود حق وردی، سیاست قیمت‌گذارهای محصولات استراتژیک کشاورزی در ایران، اطلاعات سیاسی اقتصادی،

«هاگ» قابل تحلیل است و ضرورت بازنگری به برنامه‌های عمرانی پنجگانه که زیرساخت اقتصاد کشور را در راستای توسعه برون‌زا شکل داده است و نیز برنامه‌ریزی فراگیر و همه‌جانبه در روستاهای کشور به منظور حفظ استقلال و قطع وابستگی را التزام می‌بخشد. «میسرا» در اهداف برنامه‌ریزی به منظور بهبود شالوده اقتصاد روستا برای توسعه همه‌جانبه، توجه به سرمایه‌گذاری در آبیاری برای افزایش تولیدات کشاورزی و نیز گسترش صنایع روستایی به منظور کاهش فشار بر جمعیت در بخش کشاورزی را مورد تأکید قرار می‌دهد^{۲۲}. بنابراین یکی دیگر از اهداف اصلی برنامه‌ریزی روستایی تحرک بخشیدن به دیگر فعالیت‌های اقتصادی روستا به منظور اشتغال غیرکشاورزی می‌باشد^{۲۳} با این پندار که بهره‌وری سرانه افزایش یافته و موجب بهبود سطح درآمد در بخش کشاورزی شود.

از دیگر اهداف برنامه‌ریزی روستایی حفظ زیباییهای محیط روستا و جلوگیری از تخریب مناظر زیبای آن می‌باشد که در کنار دیگر اهداف، مورد توجه برنامه‌ریزان روستایی بوده است^{۲۴}. از جمله دیگر اهداف برنامه‌ریزی روستایی توجه به فقیرترین اقشار جامعه روستایی می‌باشد. به عقیده کارشناسان بانک جهانی، توسعه روستایی راهبردی است که به منظور بهبود زندگی اقتصادی اجتماعی گروه خاصی از روستاییان فقیر طراحی شده است. این فرآیند شامل بسط منافع توسعه در میان فقیرترین اقشاری است که در مناطق روستایی در پی کسب معاش هستند. این گروه شامل کشاورزان خرده پا، خوش‌نشینان و کشاورزان بی‌زمین می‌شوند^{۲۵}. بدون توجه به منافع این گروه هرگونه برنامه‌ریزی توسعه روستایی باعث تشدید فواصل میان اقشار روستایی و تعمیق فقر این گروه که از منافع توسعه بهره‌ای ندارند خواهد شد^{۲۶}. بنابراین در فرآیند توسعه، برنامه‌ریزی به منظور ایجاد اشتغال برای اقشار پایین جامعه روستایی گامی مهم برای جلوگیری از تشدید فاصله بین اقشار مختلف است اما در برنامه‌ریزی اشتغال روستایی اولین سؤالی که پس از نتیجه‌گیری از مطالعات اولیه و درک کمبود اشتغال و امکانات به عنوان موانع توسعه مطرح می‌شود این است که برای رفع این موانع، پروژه‌های اجرایی در کجا مستقر شوند تا

22- Misra, *Agriculture Development*, New Delhi - 1990, p. 76.

23- Joang, Davidson, *planning and the Rural Environments*, 1997, p. 171.

24- Andrew, Gilg, *An Introduction to Rural Geography*, London 1985, p. 139.

۲۵- دیاس هیران و ویکرامانایاک، درسنامه برنامه‌ریزی توسعه روستایی، ترجمه ناصر فرید، جهادسازندگی، ۱۳۶۸، ص ۷۳.

۲۶- میسرا وسوندارام، گزینه‌های توسعه روستایی، ترجمه علی-اکبر، جهادسازندگی، ۱۳۷۱، ص ۶۶.

از سرمایه‌گذارهای اولیه حداکثر بهره‌برداری حاصل شود؟ به عبارت دیگر با وجود تنگناهای مالی برای تأمین بودجه ظرفیتهای بلااستفاده‌ای به وجود نیاید. لذا مکان‌یابی و استقرار مؤسسات اجتماعی و نیز مراکز اشتغال و احتمالاً صنایع روستایی اولین گام در برنامه‌ریزی توسعه روستایی به مفهوم واقعی می‌باشد تا اولاً به فعالیت بخش کشاورزی لطمه‌ای وارد نشود ثانیاً بتواند تا حد امکان مازاد نیروی بخش کشاورزی را که به مهاجرت روی می‌آورند جذب کند.

مبانی ثوریک در نظام برنامه‌ریزی

برای ارائه یک مدل عملی، اجماع بر تعریفی از برنامه‌ریزی روستایی که بتواند از جامعیت لازم برخوردار بوده و اهداف مترتب بر آن را به صورت عینی نمود بخشد ضروری است. بنابراین برنامه‌ریزی روستایی عبارت است از برنامه‌ریزی یکپارچه توسعه کشاورزی، صنعت و خدمات در یک ناحیه روستایی بطوری که در برگیرنده تمام جنبه‌های زندگی اعم از اقتصادی، اجتماعی، سازمانی و محیطی باشد^{۲۷}. برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران نظام سلسله مراتبی سکونتگاههای روستایی را پیشنهاد کرده و در حقیقت بر سطح‌بندی مناطق روستایی به منظور خدمات رسانی تأکید دارد. در این رابطه چارچوب کلی نظریه‌های کلاسیک مکانهای مرکزی^{۲۸} شامل مدل «کریستالر» Christaller، شبکه «لوش» Lösch و نواحی بازاری «گالپین» Gulpin که ساماندهی سکونتگاههای انسانی را در یک نظام سلسله مراتبی به منظور ارائه کالا و خدمات ارائه می‌کنند مدنظر می‌باشد. سعی بر این است که وضعیت موجود سکونتگاهها در قالب تلفیقی از نظریات مذکور ساماندهی شده تا اولاً امکان دسترسی به نیازهای روستایی با یک نظم فضایی برای تمام سکونتگاهها امکانپذیر باشد ثانیاً دسترسی به هر کالا و خدمتی براساس ارزش آن در فاصله زمانی - مکانی مناسب تدارک دیده شود؛ بطوری که بهره‌وری مناسب برای ارائه هر نوع کالا یا خدمت در یک مجموعه روستایی از نظر ظرفیت داد و ستد و میزان ارزش افزوده، تداوم آن را تضمین کند. به عبارت دیگر هر کالا یا خدمت در چنان سطحی از نظام سلسله مراتبی، طراحی شده و برای سکونتگاههای روستایی ارائه شود که با توجه به سرمایه ثابت اولیه و خدمات جنبی آن مقرون به صرفه بوده و از حداکثر ظرفیت آن بهره‌برداری کامل به عمل آید تا پرتو این مراکز، بسته به نوع نیاز روستاهای کمتر از ۵۰ خانوار را نیز تحت پوشش قرار دهد و از متروک شدن بیش از ۳۰٪ مناطق روستایی فعال کشور که از حداقل سرمایه‌های ملی بهره‌برداری می‌کنند جلوگیری کند؛

۲۷- مهندسان مشاور DHV از هلند، رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی، ترجمه سیدجوادی و دیگران،

هرچند طرح آمایش سرزمین جمهوری اسلامی ارائه خدمات در آنها را غیراقتصادی می‌داند^{۲۹}. در مطالعه حاضر تلاش شده است در چارچوب نظریات ارائه شده و با توجه به وضعیت موجود مناطق روستایی دشت گرمسار ساماندهی فضایی صورت گرفته و رشد و توسعه آینده مناطق روستایی در قالب سلسله مراتب مکانهای مرکزی با آستانه خدمات‌رسانی متعادل هدایت شود. تذکر این نکته ضروری است که در وهله اول بیشترین شرایط اصلی و مهم نظریه‌های مذکور^{۳۰} از جمله قابلیت دسترسی یکسان مکان مرکزی در تمام جهات، یکسانی چشم‌انداز فرهنگی فیزیکی و رفتار منطقی مصرف‌کننده، در منطقه قابل انطباق می‌باشد.

برنامه‌ریزی خطی و تعیین مکان مرکزی (دشت گرمسار)

دشت گرمسار در فاصله حدود ۱۱۰ کیلومتری شرق تهران در کنار جاده آسفالتی و راه آهن تهران - مشهد بر روی مخروط افکنه حبله رود واقع شده و شامل حدود ۱۰۰ پارچه آبادی می‌باشد. از لحاظ تقسیمات سیاسی این روستاها در محدوده چهار دهستان به نامهای حومه، ریکان، یاتری و ارادان قرار گرفته‌اند. مطالعات انجام شده در نواحی روستایی حاکی از مهاجرت شدید و عمده بیشتر به دلیل کمبود اشتغال بوده است^{۳۱}.

جدول شماره ۲: تحولات جمعیتی دشت گرمسار طی سالهای ۱۳۴۵-۱۳۷۰

درصد رشد		سال				مناطق
		۱۳۷۰	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	
سالهای ۶۵-۵۵	سالهای ۴۵-۵۵	۵۲۰۴۷	۵۱۹۶۴	۳۷۰۴۲	۳۵۶۷۸	شهرستان گرمسار
۳/۴	۰/۳۷	۲۶۰۴۴	۲۶۵۶۱	۲۹۴۸۵	۳۰۹۵۵	مناطق روستایی
-۱/۰۳۸	-۰/۴۸	۵۰	۵۱/۱	۷۹/۶	۸۶/۷	درصد روستائینی
-	-					

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن سالهای ۶۵، ۵۵، ۴۵ و نتایج مقدماتی آمارگیری جمعیت، سال ۱۳۷۰.

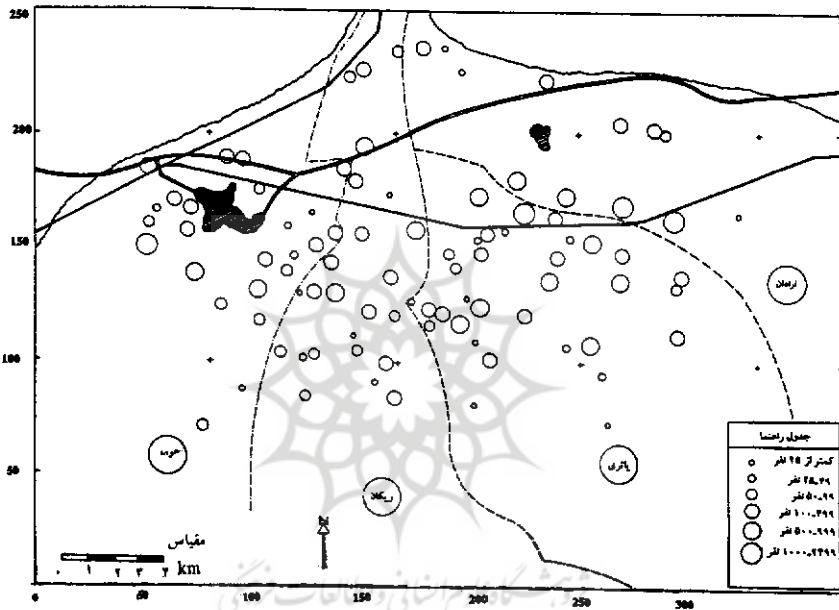
۲۹- طرح پایه آمایش سرزمین جمهوری اسلامی ایران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۴.

۳۰- مهندسان مشاور، همان ص ۸۰.

۳۱- علی اکبر حمیدی و دیگران، «مهاجرتهای روستایی در گرمسار»، مجموعه مقالات مردم‌شناسی، وزارت فرهنگ و

آموزش عالی، ۱۳۶۲، ص ۱۹۴.

تحوّلات جمعیت روستایی طی ۲۵ ساله اخیر نه تنها گرایش شدید به شهرنشینی بلکه به دلیل محدودیت ظرفیت اشتغال، مهاجرت برون ناحیه‌ای را نیز مشخص می‌کند، بطوری که در فاصله ۵ ساله ۶۵-۷۰ جمعیت در یک حالت ایستا قرار گرفته و رشد جمعیت چه در محدوده شهرستان و چه در نواحی روستایی دشت در حدّ صفر بوده است (جدول شماره ۲)، وابستگی کشاورزی دشت به حبله رود و محدودیت ظرفیت دبی رودخانه، باعث محدودیت اشتغال در بخش کشاورزی شده است.



نقشه شماره ۱: پراکندگی جمعیت روستایی گرمسار

با شناختی نسبی از وضعیت ناحیه به کاربرد مدل خطی در تعیین مکان مرکزی دشت می‌پردازیم. برای این منظور ابتدا کلیه نقاط روستایی را که در محدوده دشت، و در یک چشم‌انداز واحد قرار داشته و شرایط اصولی نظریه‌های مکان مرکزی را دارا می‌باشند بر روی شبکه نقشه‌های موجود مورد مطالعه قرار داده و اسامی آنها را در لیستی به صورت جدول شماره ۳ ثبت کردیم. از آنجا که مختصات نقاط (طول و عرض جغرافیایی) بر روی شبکه نقشه‌های موجود، از جمله نقشه‌های ۱ به دلیل نزدیکی نقاط به سهولت امکانپذیر نبود و محاسبات را با پیچیدگی مواجه می‌کرد؛ لذا شبکه‌ای فرضی بر روی نقشه شماره ۱ که به عنوان پایه تهیه شده است ترسیم و نسبت به مبدأ مختصات برای هر یک از نقاط روستایی طول و عرضی مشخص شد. در حقیقت مجموعه نقاط موجود بر روی نقشه نسبت به یک

مبدأ مختصات واحد مورد ارزیابی قرار گرفته و طول و عرض آنها مبنای محاسبه مرکزیت هندسی نقاط قرار گرفته است. در جداول محاسباتی طول نقاط نسبت به مبدأ با x و عرض آنها با y نشان داده شده و در ستونهای ۳ و ۴ جدول شماره ۳ ثبت شده است. آن گاه از طریق حل دو معادله دو مجهولی که یک بار x را تابع y و بار دیگر y را تابع x به حساب آورده ایم دو معادله خط رگرسیون^{۳۲} به صورت زیر حاصل شده است:

$$y = ax + b$$

معادله کلی خط:

جدول شماره ۳: مرکزیت هندسی و مرکز ثقل جمعیت روستایی دشت گرمسار

ردیف	نام روستا	x	X	x^2	x^2	xy	ج	ج. ط	ج. ع
۱	سرآبرود	۱۶۷	۲۴۰/۵	۲۷۸۸۹	۵۷۸۴۰	۴۰۱۶۳/۵	۸۰	۱۳۳۶۰	۱۹۲۴۰
۲	ناروه	۱۵۱/۵	۲۳۲/۵	۲۲۹۵۲	۵۴۰۵۶	۳۵۲۲۳/۷	۱۱۰	۱۶۶۶۵	۲۵۵۷۵
۳	بن کوه	۱۴۵	۲۲۹	۲۱۰۲۵	۵۲۴۴۱	۳۳۲۰۵	۶۵	۹۴۲۵	۱۴۸۸۵
۴	حاجی آباد	۱۵۱/۵	۱۹۷	۲۲۹۵۲	۳۸۸۰۹	۲۹۸۲۵/۵	۵۸۷	۸۸۹۳۰/۵	۱۱۵۶۳۹
۵	ملیجان علیا	۱۴۸	۱۸۱	۲۱۹۰۴	۳۲۷۶۱	۲۶۷۸۸	۱۳۰	۱۹۲۴۰	۲۳۵۳۰
۶	ارجلان	۱۶۳	۱۷۵/۵	۲۶۵۶۹	۳۰۸۰۰	۲۸۶۰۶	۱	۱۶۳	۱۷۵/۵
۷	محمدآباد	۱۷۵	۱۵۹/۵	۳۰۶۲۵	۲۵۴۴۰	۲۷۹۱۲/۵	۵۳۸	۹۴۱۵۰	۸۵۸۱۱
۸	قشلاق نقر	۱۵۰	۱۵۷	۲۲۵۰۰	۲۴۶۴۹	۲۳۵۵۰	۱۸۰	۲۷۰۰۰	۲۸۲۶۰
۹	قاپول	۱۳۵/۵	۱۴۵	۱۸۳۶۰	۲۱۰۲۵	۱۹۲۴۷/۵	۲۵۸	۳۴۹۵۹	۳۷۴۱۰
۱۰	سرآسیاب	۱۶۳/۵	۱۳۸	۲۶۷۳۲	۱۹۰۴۴	۲۲۵۶۳	۱۲۱	۱۹۷۸۳/۵	۱۶۶۹۸
۱۱	الله وردی آباد	۱۲۱	۱۳۱	۱۴۶۴۱	۱۷۱۶۱	۱۵۸۵۱	۱۵	۱۸۱۵	۱۹۶۵
۱۲	ملیجان سفلی	۱۲۸	۱۳۱	۱۶۳۸۴	۱۷۱۶۱	۱۶۷۶۸	۱۴۲	۱۸۱۷۶	۱۸۶۰۲
۱۳	ریکان	۱۳۷/۵	۱۳۱	۱۸۹۰۶	۱۷۱۶۱	۱۸۰۱۲/۵	۶۲۰	۸۵۲۵۰	۸۱۲۲۰
۱۴	کردوان	۱۵۳/۵	۱۲۳	۲۳۵۶۲	۱۵۱۲۹	۱۸۸۸۰	۳۶۰	۵۵۲۶۰	۴۴۲۸۰
۱۵	قلعه چک	۱۶۵	۱۲۱/۵	۲۷۲۲۵	۱۴۷۶۲	۲۰۰۴۷/۵	۹۷	۱۶۰۰۵	۱۱۷۸۵/۵

۳۲- مسعود مهدوی، آمار و روشهای تجزیه و تحلیل داده‌ها در جغرافیا، نشر قومس، ۱۳۷۲، ص ۱۶۸.

دنباله جدول شماره ۳: مرکزیت هندسی و مرکز ثقل جمعیت روستایی دشت گرمسار؛ دهستان ریکان

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ردیف	نام روستا	x	X	x^2	y^2	xy	ج	ج. ط	ج. ع
۱۶	محمودآباد جعفری	۱۴۶	۱۱۲/۵	۲۱۳۱۶	۱۲۶۵۶	۱۶۴۲۵	۱۲	۱۷۵۲	۱۳۵۰
۱۷	امامزاده سرباز	۱۱۲/۵	۱۰۵	۱۲۶۵۶	۱۱۰۲۵	۱۱۸۱۲/۵	۵۰	۵۶۲۵	۵۲۵۰
۱۸	سیدصادق خان	۱۲۳	۱۰۲/۵	۱۵۱۲۹	۱۰۵۰۶	۱۲۶۰۷/۵	۳۵	۴۳۰۵	۳۵۸۷/۵
۱۹	مندولک	۱۲۷/۵	۱۰۴	۱۶۲۵۶	۱۰۸۱۶	۱۳۲۶۰	۷۲	۹۱۸۰	۷۴۸۸
۲۰	محمودآباد بهادری	۱۴۷/۵	۱۰۵/۵	۲۱۷۵۶	۱۱۱۳۰	۱۵۵۶۱/۲	۵۴	۷۹۶۵	۵۶۹۷
۲۱	رشمه	۱۶۰/۵	۱۰۰	۲۵۷۶۰	۱۰۰۰۰	۱۶۰۵۰	۴۸۲	۷۷۳۶۱	۴۸۲۰۰
۲۲	محمودآباد اسدی	۱۵۵	۹۱	۲۴۰۲۵	۸۲۸۱	۱۴۰۵	۱۶	۲۴۸۰	۱۴۵۶
۲۳	جواد آباد	۱۲۴	۸۵	۱۵۳۷۶	۷۳۲۵	۱۰۵۴۰	۸۰	۹۹۲۰	۶۸۰۰
۲۴	سعدآباد	۱۶۴/۵	۸۴	۲۷۰۶۰	۷۰۵۶	۱۳۸۱۸	۲۵۵	۴۱۹۴۷/۵	۲۱۴۲۰
۲۴	دهستان ریکان*	۳۵۱۵/۵	۳۳۸۲	۵۲۱۵۶۰	۵۲۶۹۳۴	۵۰۱۲۳۸	۴۳۵۹	۶۶۰۵۵۵	۶۲۶۱۴۹
۲۴	دهستان حومه	۲۲۵۲	۳۶۵۶	۲۲۴۶۷۷	۵۷۷۹۱۹	۳۳۵۷۰۲	۶۰۳۳	۵۶۱۱۷۳	۹۲۸۶۵۵
۳۲	دهستان یاتری	۷۲۴۲	۴۲۲۵	۱۷۰۴۹۸۴	۵۷۷۲۸۲	۹۷۶۱۲۳	۹۱۱۶	۲۰۷۷۳۲۱	۱۲۹۶۶۱۸
۱۰	دهستان ارادان	۱۹۸۲/۵	۲۴۲۱	۷۶۴۰۶۸	۴۹۷۷۹۳	۵۹۰۹۷۴	۶۳۵۰	۱۶۲۲۵۴۲	۱۱۴۰۲۱۲
۹۰	جمع	۱۵۹۹۲	۱۳۶۸۴	۳۲۱۵۲۸۹	۲۱۷۹۹۰۸	۲۴۰۴۰۳۷	۲۵۸۵۸	۴۹۲۱۵۹۱	۳۹۹۱۶۳۴
		$\bar{x}=177/6$	$\bar{y}=152$					$\bar{x}=190$	$\bar{y}=154$

* به منظور احتراز از طولانی شدن جدول، محاسبات مربوط به ۴ دهستان دیگر دشت از شماره ۲۴ به بعد به صورت خلاصه دهستانی آمده است؛ بنابراین مجموعه روستاهای مورد محاسبه جمعاً ۹۰ پارچه می‌باشد که در جمع آمده است.

$$\begin{cases} \Sigma y = Nb + \Sigma xa \\ \Sigma xy = \Sigma xb + \Sigma x^2 a \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} 13684 = 90 \cdot b + 15992a \\ 2404037 = 15992b + 3215289a \end{cases}$$

$$\begin{cases} b = 165 \\ a = -0.073 \end{cases}$$

$$(1) Y = -0.073x + 165$$

$$\begin{cases} \Sigma x = Nb + \Sigma ya \\ \Sigma xy = \Sigma yb + \Sigma y^2 a \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} 15992 = 90 \cdot b + 13684a \\ 2404037 = 13684b + 2179908a \end{cases}$$

$$\begin{cases} b = 219/7 \\ a = -0.276 \end{cases}$$

$$(2) X = -0.276y + 219/7$$

همچنین می توان معادلات خطوط ۱ و ۲ را از طریق محاسبه ضرایب a و b به صورت زیر نیز به دست آورد: ۳۳

$$a = \frac{N \Sigma xy - \Sigma x \Sigma y}{N \Sigma x^2 - (\Sigma x)^2} \Rightarrow a = \frac{90 \times 2404037 - 15992 \times 13684}{90 \times 3215289 - (15992)^2} \Rightarrow a = -0.073$$

$$b = \frac{\Sigma y - a \Sigma x}{N} \Rightarrow b = \frac{13684 - (-0.073)(15992)}{90} \Rightarrow b = 165$$

$$(3) Y = -0.073x + 165$$

و برای محاسبه ضرایب a و b در معادله: $X = ay + b$ به صورت زیر عمل می کنیم:

$$a = \frac{N \Sigma xy - \Sigma x \Sigma y}{N \Sigma y^2 - (\Sigma y)^2} \Rightarrow \frac{90 \times 2404037 - 15992 \times 13684}{90 \times 2179908 - (13684)^2} \Rightarrow a = -0.276$$

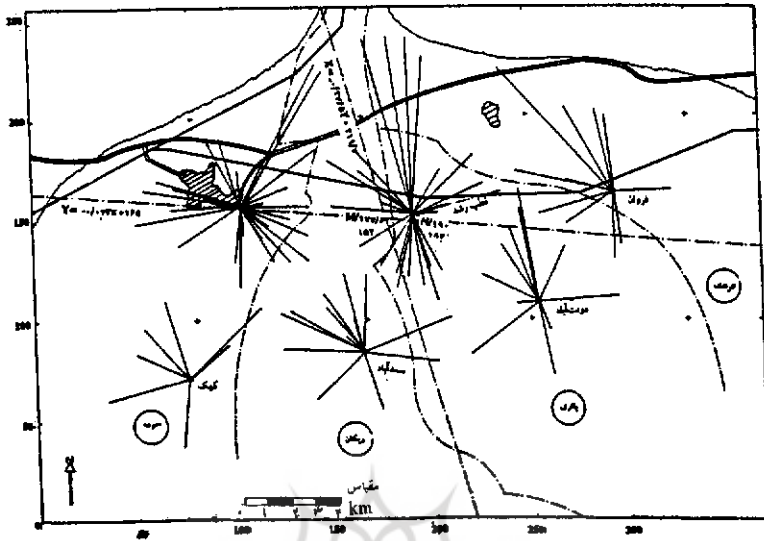
$$b = \frac{\Sigma x - a \Sigma y}{N} \Rightarrow \frac{15992 - (-0.276)(13684)}{90} \Rightarrow b = 219/7$$

$$(4) X = -0.276y + 219/7$$

مشاهده می‌شود که معادلات ۳ و ۴ دقیقاً همان معادلات ۱ و ۲ می‌باشند و هر دو روش کاملاً به یک نتیجه می‌رسد.

دو خط شماره ۱ و ۲ را بر روی شبکه نقشه‌ای که اطلاعات نقاط روستایی از روی آن استخراج شده ترسیم می‌کنیم. از آنجا که هر خط بر روی محور مختصات به شرط موازی نبودن، آنها را قطع می‌کند و محل تقاطع خط با محور مختصات دقیقترین نقطه برای ترسیم خط می‌باشد، لذا برای $x = 0$ مقدار y و به ازای $y = 0$ مقدار x محاسبه و دو خط را ترسیم کرده‌ایم. محل تلاقی دو خط (نقطه M) مرکزیت هندسی دشت گرمسار می‌باشد. این نقطه به لحاظ دسترسی همه نقاط روستایی دشت به آن بهترین مکان ممکن می‌باشد و می‌تواند به عنوان مرکز سرویس‌دهی و خدمات‌رسانی مجموعه روستاهای دشت قرار گیرد. اگرچه به نظر می‌رسد تعدادی از نقاط روستایی نزدیکتر و تعدادی در فاصله دورتری نسبت به این مرکز قرار گرفته‌اند، لکن مجموعه نقاط روستایی شرق این مرکز با مجموعه نقاط روستایی غرب یا شمال و جنوب آن روی هم رفته، مسافت یکسانی را برای دسترسی به خدمات ارائه شده در این مرکز طی خواهند کرد. واضح است که این مرکز به عنوان مرکز درجه ۱ در بین روستاهای دشت عهده‌دار ارائه خدماتی خواهد بود که قرار است منحصراً فقط در یک نقطه دشت مکانیابی شود. به عنوان مثال بیمارستان که به لحاظ سطح‌بندی ارائه خدمات می‌بایست جمعیتی حدود ۱۰ تا ۲۵ هزار نفر را تحت پوشش داشته و شعاع حدود ۲۰ کیلومتر را سرویس دهد و به لحاظ امکانات دارای ۲ پزشک، ۴ پرستار، ۱۰ تا ۲۰ تخت و درمانگاه باشد^{۳۴} یا محل استقرار و پایگاه اصلی مهندسین مرکز خدمات روستایی عشایری ناحیه مورد مطالعه، محل احداث دبیرستانهای دخترانه و پسرانه و ... باشد. دو خط ترسیم شده که خطوط کمترین مربعات می‌باشند به لحاظ عبور از بین روستاها آنها را به دو بخش شرقی و غربی یا شمالی و جنوبی تقسیم می‌کنند و مجموع فاصله نقاط روستایی که در بخش جنوبی خط $y = 0.73x + 165$ قرار گرفته‌اند با مجموع فواصل روستاهایی که در بخش شمالی خط قرار گرفته‌اند مساوی بوده؛ بنابراین می‌تواند به عنوان مسیرهای خدمات‌رسانی نظیر جاده، خطوط انتقال نیرو و ... مورد استفاده قرار گرفته تا فرصت مساوی برای مجموعه روستاهای شمال و جنوب ایجاد گردد. در مورد مسیر خط $x = -0.276y + 219/7$ نیز که روستاهای دشت را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می‌کند همین حالت وجود دارد و به عنوان مثال می‌تواند به عنوان مسیر اصلی کانالهای آبرسانی که از بخش شمالی به جنوب دشت جریان می‌یابد یا مسیر جاده و غیره مورد استفاده قرار گیرد.

۳۴- میسرا، شناخت روش برنامه‌ریزی مکانی برای عمران روستایی در ایران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۳، ص ۱۰۰.



نقشه شماره ۲: مرکزیت هندسی و مرکزیت ثقل جمعیت دشت گرمسار (قطب و مراکز رشد)

مرکز ثقل جمعیتی دشت:

این دشت در مرکزیت هندسی مذکور قرار گرفته و محل تلاقی ۲ خط یا نقطه M مرکز هندسی نقاط روستایی دشت گرمسار می‌باشد. از آنجا که در برنامه‌ریزی توسعه روستایی منافع حاصل از سرمایه‌گذاریهای جمعیتی می‌بایست آحاد جمعیت ناحیه را حتی الامکان بطور مساوی بهره‌مند سازد لذا این نقطه (M) در شرایطی که تمامی نقاط روستایی دارای جمعیتی نسبتاً مساوی باشند بهترین نقطه از نظر تمرکز سرویس و خدمات انحصاری است، لکن در مواردی که هر کدام از روستاها جمعیت‌های متفاوت دارند ممکن است دقیقاً بهترین نقطه ممکن نباشد یا تعداد روستاهایی که در سمت شرق خط $x = ۲۱۹/۷ + ۰/۲۷۶y$ قرار گرفته‌اند از جمعیت بیشتری نسبت به مجموعه روستاهای غرب برخوردار باشند. بنابراین می‌بایست مرکزیت هندسی به مرکزیت ثقل جمعیتی دشت تغییر مکان یابد تا صرف‌نظر از تعداد و فاصله سکونتگاهها عدد جمعیت ملاک بهره‌مندی از خدمات مرکز قرار گیرد؛ بنابراین می‌بایست به هر سکونتگاه روستایی به تناسب جمعیت آن اهمیت داده شود. برای این منظور در ستون ۸ جدول، جمعیت مربوط به هر روستا مشخص شده و در ستونهای ۹ و ۱۰ حاصل ضرب عدد جمعیت در طول (x) و عرض (y) محاسبه شده و حاصل جمع هر ستون بر کُل عدد جمعیت دشت تقسیم شده و طول و عرضهای جدیدی برای مرکزیت ثقل جمعیتی دشت از طریق رابطه‌های زیر حاصل شده است:

$$\bar{x} = \frac{\sum x.p}{N} = \frac{۴۹۲۱۵۹۱}{۲۵۸۵۸} = ۱۹۰ \quad \bar{x} = ۱۹۰$$

$$\bar{y} = \frac{\sum y.p}{N} = \frac{۳۹۹۱۶۳۴}{۲۵۸۵۸} = ۱۵۴ \quad \bar{y} = ۱۵۴$$

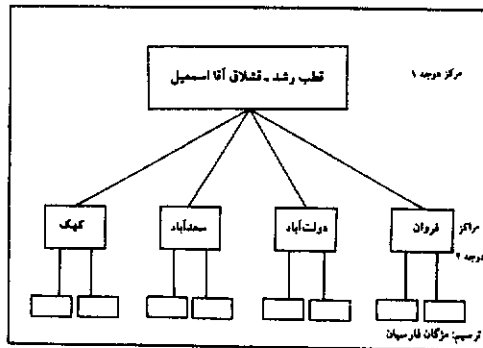
نقطه N با مختصات $\bar{x} = ۱۹۰$ و $\bar{y} = ۱۵۴$ نتیجه این محاسبات است. این نقطه در مقایسه با نقطه M تا حدودی متمایل به شرق دشت بوده و دارای روستاهایی با جمعیت متوسط بیشتر است. ممکن است که این نقاط دقیقاً منطبق با یک روستای موجود در ناحیه تحت پوشش برنامه‌ریزی واقع نگردد لذا می‌توان آن را به نزدیکترین روستای ممکن به لحاظ بهره‌گیری از امکانات موجود منتقل کرد که در دشت گرمسار، ما این نقطه را روستای قشلاق در نظر گرفته‌ایم و اصطلاحاً آن را قطب رشد نامیده‌ایم. این نقطه سهل‌الوصولترین و اقتصادپذیرترین مکان برای دسترسی کل جمعیت روستاهای دشت به منظور حل مسائل مربوط به کشاورزی و دامداری، تأمین نیازهای خدماتی و در حقیقت به عنوان ستاد عملیاتی و نظارت به اقتصاد روستایی و مرکز توسعه روستایی دشت گرمسار می‌باشد. لذا در وهله اول در رابطه با اقتصاد روستا این محل جایگاه استقرار هسته مرکزی مرکز خدمات روستایی عشایری می‌باشد که براساس آیین‌نامه اجرایی آن می‌بایست پس از ایجاد مراکز خدمات دهستان در یک شهرستان اداره کشاورزی آن منحل و کلیه کارکنان آن در مراکز خدمات جذب شوند و کارکنان خدماتی اداری راهی مناطق روستایی شوند^{۳۵} تا از نزدیک با مسائل و مشکلات کشاورزی آشنا شده و به کمک مروجین روستایی به حل آن پردازند.

برای هر یک از ۴ دهستان موردنظر با توجه به مختصات روستاهای هر دهستان که ابتدا در جدول ثبت شده است می‌توان با روشهای فوق مرکزیت هندسی و مرکزیت ثقل جمعیتی و نیز مسیرهای خطوط حاصل از ترسیم معادلات را محاسبه و مشخص کرد یا حتی بدون در نظر گرفتن مرزهای دهستان برای هر منظومه روستایی مشخص، مرکزیت هندسی و مرکزیت ثقل جمعیتی را مکانیابی نمود.

در این مقاله در رابطه با نظام سلسله مراتبی خدمات‌رسانی، چهار مرکز درجه ۲ در بخشهای چهارگانه دشت پیشنهاد شده است. این مراکز درجه ۲ که از طریق سطح‌بندی روستاها* از بین نقاطی که از نظر امکانات دارای سطوح برتر بوده‌اند، با توزیع مناسب انتخاب شده و می‌توانند تعدادی از نواحی روستایی سطوح پایینتر از خود را سرویس دهی و خدمات‌رسانی کنند.

۳۵- مصطفی ازکیا، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، اطلاعات، ۱۳۶۵، ص ۳۰۲.

* روشهای سطح‌بندی روستاها در مقاله دیگری ارائه خواهد شد.



نمودار شماره ۱: نظام سلسله مراتبی خدمات رسانی روستایی

با توجه به این که عمده مشکلات بخش کشاورزی در حاشیه جنوبی دشت قرار داشته و بخش قابل توجهی از اراضی واگذار شده که امروزه گروه‌های مشاع به زیرکشت می‌برند در نواحی جنوبی دشت قرار دارد و از مشکلات بیشتری رنج می‌برند، لذا مراکز درجه ۲ متمایل به بخش جنوبی دشت پیشنهاد شده است. در حقیقت در انتخاب مراکز درجه ۲ اولویت رونق کشاورزی دشت مدنظر بوده اگرچه توزیع فضایی مناسب نقاط آستانه‌های خدمات‌رسانی این مراکز را نیز لحاظ قرار داده است. این مراکز از نظر توانمندیهای خدماتی در سطوح پایینتری نسبت به مرکز دشت که روستای قشلاق می‌باشد قرار دارند و شامل چهار روستای فروان، دولت‌آباد، سعدآباد و کهنک می‌باشند که با یک مرکز خدمات در بخش شرقی شهر که نیازمندیهای کشاورزان حومه شهر را از نظر مشکلات بخش کشاورزی مرتفع می‌سازد، بیشترین اراضی کشاورزی دشت را از نظر نظارت و خدمات‌رسانی و ترویج تحت پوشش دارند. مراکز پیشنهادی داخل دشت می‌توانند هر یک در چارچوب یک طرح هادی روستایی ساماندهی شده و به عنوان مراکز ارائه خدمات، سطح‌بندی شوند و با استقرار صنایع در آنها در جهت اشتغال و نیز بهره‌گیری از ظرفیتهای بیکاری پنهان فصلی ایفای نقش نمایند. همچنین این مراکز می‌توانند مبادلات روستاییان را با انگیزه چرخش پول در حوزه روستا و جذب ارزش افزوده حاصل از آن در داخل مناطق روستایی انجام بخشیده و رابطه شهر و روستا را حتی الامکان تعادل بخشند.

نهایتاً اینکه مراکز پیشنهاد شده در افزایش درآمد روستاییان و تأمین اشتغالات جنبی آنها مؤثر واقع خواهند شد و تثبیت جمعیت روستایی را با توجه به امکان دسترسی مناسب به خدمات موردنیاز باعث خواهند گردید.